

نامه سرگشاده به رییس و اعضای شورای وزیران افغانستان

بانوان و آقایان!

بیش از یک دهه است که شما به صورت نوبتی بر بلندترین مقام‌های کشوری به نام افغانستان تکیه زده اید. سوای چند نماینده دلسوز مردم کسی را مجال پرسیدن چند و چون کارهای تان نبوده و نیست. این در حالی‌ست که فاسدترین حاکمیت تاریخ ما کمر اقتصاد کشوری را در زیر بار قرضه‌های بانک‌های آسیایی و جهانی و دادوستدهای ناروشن پولی، چنان بی‌هیچ دستاورد ارزشمندی خم کرده است که فردا بدون شک همه شما در دادگاه تاریخ پاسخگو خواهید بود.

امروز پس از دهه‌یی بیش ما دارای فاسدترین حکومت جهان، کثیف‌ترین پایتخت جهان و پرکشت‌ترین زمین کوکنار جهان هستیم. در کنار نام‌های نوی که از حرکت و برکت شما نصیب سرزمین ما گردیده‌است، افزونی وحشت و دهشت درون خانه میهن نیز بی‌پیوند به کنش‌ها و بازی‌های دوگانه شما نیست.

بانوان و آقایان!

این‌که هر کرده‌یی زیر نام مردمسالاری و دموکراسی انجام یافته‌است، تلخ‌ترین روایت تاریخ امروز ماست.

با این همه، دردناک‌تر و مصیبت‌بارتر تصمیم‌هایی‌ست که در باره زبان و زبان‌های مردم سرزمین ما گرفته‌اید و می‌گیرید.

زبان مال مردم است و این مردمان اند که با گویش‌ها و آفرینش‌های خود زبان‌ها را زنده نگه‌می‌دارند، پایا، زایا و غنامند می‌سازند، نه سلطنت‌ها و حکومت‌های ناپایدار.

همه به واژه آواره‌گی آشنایم، زیرا هنوز آواره‌ترین مردم جهانیم. این آواره‌گی که ریشه در بیشه بی‌کفایتی و ناکارمگی فرمانروایان داشته و دارد، مگر بسنده نیست که ما را به آواره‌گی زبانی نیز سردچار و گرفتار می‌کنید؟

آواره‌گی زبانی اصطلاحی‌ست که نخستین بار از سوی رولان بارت به معنای فشار زبانی بر زبان دیگر به کار گرفته شده است.

با دریغ همه زبان‌های سرزمین ما از اثر بازی‌های زشت سیاسی - به ویژه در نیم سده پسین این آواره‌گی را آزموده‌اند.

بانوان و آقایان!

دموکراسی پذیرای تنوع است.

تنوع و گوناگونی گویش‌ها و زبان‌ها مرزی نمی‌شناسد و وابسته به هیچ فرمان و دستوری از بالا نیست. هر زبان و گویشی برای گوینده‌گانش رسمی‌ست و ارزشمند.

کسانی که تخم تفرقه‌های زبانی را برای سودجویی‌های سیاسی و سربازگیری‌ها و جبهه‌سازی‌هایی که آماجی سوای اشغال جایی در بدنه دولت‌ها ندارند، می‌پاشند، باید بدانند که آغازگران کینه‌سازی‌ها و تفرقه‌بازی‌های زبانی و تباری روسیاه تاریخ اند.

آن حاکمان و فرمانروایانی که امروز هم برای گریز از ناتوانی‌های کاری و بنابر درک نادرست از فرهنگ و زبان، دست به حذف و افزایش واژه‌های این و آن زبان می‌زنند، به هدفی و رای فصل، فاصله و فاجعه در میان مردم دست نخواهند یافت.

ببایید به پیشواز بهار و فصل زیبایی حضور رنگ‌ها و درنگ‌ها، چشم از پذیرش تنوع و گوناگونی جلوه‌ها نگیریم!

نزد هم حوت – 1391 خورشیدی

عزیز الله ایما